

پروفیسور داکتر ژانگ لی (Zhang Li)
- رییس مدیر مرکز پژوهش های آسیای جنوبی جمهوری
توده یی چین

گزارنده: عزیز آریانفر

افغانستان باید پیش از رفتن ارتش امریکا بیطرفی خود را باز یابد

یادداشت گزارنده:

نگارنده از انگشت شمار کسانی بوده ام که چه در آستانه و چه پس از ورود نیروهای ائتلاف بین المللی به کشور، بارها اعاده استاتوس بیطرفی افغانستان را که برخاسته از سرشت جیوپولیتیک کشور و فلسفه وجودی آن است، شاهکلید گشایش بحران های چندلایه و درهم پیچیده آن و یگانه راه برونرفت از تنگناهای پیشاروی آن خوانده ام.

دردمندان در اوایل این موضوع گوش شنوایی نداشت. مگر در این اواخر هر چه بیشتر و بیشتر به شمار کسانی که به این مساله باورمند تر می شوند، افزوده می شود. از جمله فرانسس وندرل- نماینده پیشین جامعه اروپایی در افغانستان نیز چندی پیش اظهار داشت که «افغانستان در گذشته هم بیطرف بود و در آینده هم بیطرف خواهد ماند.»

به همین سلسله، اینک گوشه هایی از گفتگوی یک کارشناس سرشناس چینی را با تارنمای «فرغانه رو» در زمینه خدمت پیشکش می نمایم.

به امید روزی که شعار بیطرف ساختن افغانستان به یک شعار سراسری ملی مبدل شود و در دستور کار جامعه جهانی قرار بگیرد.

پروفیسور داکتر ژانگ لی- رییس مدیر مرکز پژوهش های آسیای جنوبی جمهوری توده یی چین در یک گفتگوی اختصاصی با بانو کاترین ایواشنکو- خبرنگار تارنمای «فرغانه رو» گفت: افغانستان باید پیش از رفتن ارتش ایالات متحده بیطرفی خود را باز یابد. این بدان معنا است که واشنگتن داوطلبانه در راستای تحدید نفوذ خود گام بر می دارد و مصمم به احترام به بی طرفی افغانستان است و در انتظار رفتارهای همانند از دیگر

کشورها است. چین به مبدل شدن افغانستان به یک کشور بیطرف بس ذینفع است و امیدوار است نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در این کشور افزایش بخشد. تنها بدین گونه ما می توانیم از سرمایه گذاری های صورت گرفته حراست و برای تحقق پروژه های نو اقتصادی زمینه سازی نماییم.

وی در پاسخ به این پرسش بانو کاترین که:

- آن چه مربوط می گردد به امنیت منطقه یی، به نظر می رسد که ایالات متحده در صدد ترک منطقه نمی باشد و بر به دست آوردن جای پا در آسیای میانه سنجش دارد، در گام نخست از راه ایجاد پایگاه های نظامی. آیا شما این کار را به عنوان تهدیدی برای منافع ملی کشور خود ارزیابی نمی کنید؟
چنین پاسخ داد:

- «البته، این یک تهدید است. نگاه بخش چشمگیر نخبگان چینی به این فرایند چنین است. بنا بر این، چین با این که ایالات متحده در آسیای میانه ماندگار شود، مخالفت خواهد نمود. در این رابطه، چین با روسیه، که بیجنگ با آن همنوا در قبال پایگاه هوایی ماناس در قرقیزستان مواضع مشترکی اتخاذ نمود، متحد است.

با این حال، در جامعه کارشناسی چینی دیدگاه دیگری هم هست. بسیاری بر آن اند که حضور ایالات متحده یک تهدید نیست و می توان به امریکایی ها اجازه داد تا در منطقه بمانند. هواداران این دیدگاه، استدلال می کنند که حضور ایالات متحده هم برای تثبیت اوضاع در افغانستان و هم در تراز منطقه کمک می نماید. خروج نیروهای ایالات متحده بس ناخوشایند است، چون بار گران امنیت را در این صورت باید دولت چین به گردن بگیرد. با این حال، از دید من کسانی که بر این باورند که برای چین بهتر خواهد بود تا امنیت خود را خودش تامین کند، حق به جانب اند. چین باید برای اقدامات پویا در افغانستان، هرگاه تهدید بی ثباتی اوضاع و گسترش درگیری به کشورهای دیگر منطقه پدید آید، آماده باشد.

جر و بحث های مربوط به نگرش های گوناگون در قبال حضور ایالات متحده در منطقه، جامعه کارشناسان را به گونه مطلق سر در گریبان ساخته است.

نگاه نخبگان سیاسی و استراتژی رهبران چین- حفظ مناسبات همکاری با واشنگتن را در نظر دارد و به همین دلیل، چین از رویارویی با ایالات متحده صرف نظر از این که حضور امریکایی ها در منطقه حفظ خواهد گردید یا نه، اجتناب خواهد کرد.»

وی در بخش دیگری از مصاحبه خود چنین می گوید: «چین در برابر مبدل شدن افغانستان به میدان رویارویی ها میان ایالات متحده و دیگر کشورها مخالفت خواهد نمود. به ویژه میان هند و پاکستان. متفاوت از ایالات متحده، چین امکان بازی با کارت دیگر کشورها را در دست ندارد. به عنوان مثال، امریکایی ها می توانند با پاکستان به کمک لفاظی ها و سر دادن شعارهای همکاری، روابط خود را به رغم اختلافات جدی بر سر راهکارها و ساز و کارها (تاکتیک ها) در تراز راهبردی (استراتژیک) نگهدارند. بیجنگ مکانیسم های همانندی در دست ندارد. از همین رو چین می کوشد با پویایی هر چه بیشتر از کشورهای پشتیبانی کند که با آنان اهداف سیاست خارجی مشترک دارند و برای چین بسیار مهم است که کشورهای دیگر تلاش نورزند موقف پاکستان را نادیده بگیرند. این دولت در افغانستان منافع کاملاً قابل درکی دارد که باید به آن ارج گذاشته شود.

ما بیش از حد نگران بحران در روابط با پاکستان و امریکا نیستیم. امریکا نمی تواند پاکستان را به دست سرنوشت رها کند و روابط خود را با آن کشور حتا در صورت وخامت بیشتر مناسبات کنونی برهم بزند. اما ما نمی خواهیم که کمرنگ شدن روابط میان ایالات متحده و پاکستان دستاویز بهره برداری هند گردد. چین هر آن چه را که ممکن است برای زدایش تنش ها در روابط میان امریکا و پاکستان انجام خواهد داد. ما امیدواریم که ایالات متحده متوجه خواهد شد که به سود آن کشور نخواهد بود که روابط خود با پاکستان را تیره تر و

پیچیده تر سازد، زیرا این کشور از ارکان اصلی امنیت منطقه یی است.»

پروفیسور ژانگ لی در پاسخ به پرسش دیگر خبرنگار فرغانه رو مبنی بر این که: چنین به نظر می رسد که چین در دستیابی به وضعیت بیطرفی افغانستان که تضمین معینی برای در نظر داشت منافع همه کشورهای درگیر خواهد بود، ذینفع است؟ چنین پاسخ گفت:

«سخن گفتن از مبدل ساختن واقعی افغانستان به یک کشور بیطرف می تواند تنها در صورتی که تصمیمگیری بایسته در زمینه پیش از 2014 انجام گیرد، مفهوم داشته باشد. یعنی پیش از خروج نیروهای ایالات متحده. در این صورت، وضعیت بیطرفی افغانستان گواه بر آن خواهد بود که ایالات متحده به گونه داوطلبانه دست به محدود ساختن نفوذ خود یازیده است و در نظر دارد به بیطرفی افغانستان ارج گذارد و در انتظار رفتارهای همانند از سوی کشورهای دیگر است.»

دستیابی به وضعیت بیطرفی پس از 2014 تهی از هرگونه مفهوم عملی است. زیرا هیچ تضمینی وجود ندارد که ایالات متحده - به عنوان بزرگترین بازیگر جیوپولیتیک که وضعیت را در مناطق کلیدی جهان تعیین می نماید، بیطرفی یی را در افغانستان که یا ره آورد کدامین راندمان تاکتیکی بازی یکی از بازیکنان بیرونی و یا بازتابی از مبارزه سیاسی درونی باشد، جدی بگیرد.

چین و ایالات متحده منافع مشترک راهبردی در افغانستان ندارند، اما اهداف مشترک تاکتیکی یی هست، که شالوده استواری را از جمله برای همکاری های اقتصادی می سازند. من به عنوان کارشناسی که مدتی در ایالات متحده کار کرده ام، با اطمینان می توانم بگویم که در جامعه کارشناسی امریکایی این درک هست که اهداف تاکتیکی واشنگتن و بیجنگ در افغانستان به هم نزدیک اند. اما نبود اهداف استراتژییک مشترک هم یک واقعیت آشکار است. هرگاه چنین اهدافی موجود نباشند، روشن است نمی توان آن ها را به گونه مصنوعی ایجاد کرد و یا در باره آن ها خیالپردازی کرد. تنها باید کوشید

که چنین چیزی منبع تنش ها و یا مخاصمات متقابل نگردد.

تثبیت بیطرفی افغانستان پیش از برآمدن امریکایی ها می تواند به عامل پر کردن شکاف ها و یافتن زمینه های مشترک مبدل گردد. چنین چیزی اصولاً ناممکن خواهد بود هرگاه ایالات متحده تصمیم به چشمپوشی و انصراف از بخشی از برتری استراتژییک خود به منظور حل مشکلات تاکتیکی مربوط به تامین صلح و زمینه سازی برای توسعه اقتصادی نگیرد.

بنا بر این، چین کنون به تبدیل شدن افغانستان به یک کشور بیطرف بس ذینفع است، اما تنها در صورتی که خود امریکایی ها آن را به چنین وضعیتی در بیاورند. در غیر آن، دشوار است درک کرد که چرا چین خواهان بیطرفی افغانستان باشد، زیرا برای چین سودمندتر است تا بر سر افزایش نفوذ خود در این کشور مبارزه کند.

ما در پی گرفتن جای امریکا در افغانستان نیستیم. ما برای این کار نه امکانات مالی، نه امکانات نظامی، نه امکانات اطلاعاتی و سیاست خارجی مانند واشنگتن داریم. چین هرگاه تلاش کند مانند امریکا به افغانستان بیاید، نمی تواند در این کار حمایت جامعه بین المللی را به دست بیاورد. با این هم، بیجنگ باید به شدت نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در این کشور افزایش ببخشد. تنها در این صورت ما می توانیم از سرمایه گذاری های انجام داده خود حراست و برای پیاده ساختن پروژه های اقتصادی نو زمینه سازی نماییم.»

